



بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه باب سب

ضمن بررسی بحث سب به مباحث کلان‌تر و عمومی‌تری در باب محرمات قولی در برابر دیگران رسیدیم که مهم‌ترین عناوین عامه مُحَرَّم در اقوال و روابط انسان با دیگران، بلکه در اقوال و افعال دو عنوان اهانت و توهین و دیگری ایداء و آزار رساندن بود.

عنوان کذب نیز مطرح است ولی کذب فقط در ارتباط انسان با دیگران مطرح نیست. کذب امر حرام است که مسائل زیادی را در برمی‌گیرد، ولی آنچه به‌طور خاص در حوزه ارتباطات انسان با دیگران می‌تواند به‌عنوان امر حرام به حساب آید در دو عنوان کلیدی و ریشه‌ای یعنی عنوان اهانت و توهین و عنوان ایداء و آزار رساندن خلاصه می‌شود.

تقسیم‌بندی باب سب

این دو تفاوت‌هایی داشتند و ذیل هرکدام تقسیم فعلی و قولی صورت می‌گرفت. یعنی اهانت فعلی و اهانت قولی و ایداء فعلی و ایداء قولی. هرکدام از ایداء و اهانت قولی اقسام و فروعاتی و انواعی داشت که به‌صورت یک تسلسل و ترتب از عام به خاص تنظیم می‌شد. مثلاً در بحث سب که یکی از انواع اهانت قولی است و گاهی هم در آن ایداء وجود دارد چنین تقسیم‌بندی صورت گرفت. لذا به دو تا معیار کلی در محرمات در روابط میان افراد و گروه‌ها اشاره شد. و به بخش‌هایی از یک منظومه جامع از محرمات پرداخته شد. و تا حدی نقشه جامع آن در بحث سب البته به‌طور خاص ارائه شد.

نقطه مقابل سب

در نقطه مقابل این محرمات و مضمومات در روابط میان افراد باید به آنچه ممدوح است نیز اشاره شود چراکه بحث‌های ارزشمندی وجود دارد که جای بحث و سخن فقهی دارد. در قرآن در حوزه اقوال در روابط افراد به عناوینی امر شده است مثل قول لَیْن، قول سدید، قول حسن و قول معروف یعنی مقابل اقوالی مثل سب و لعن و اهانت و ایداء و امثال این‌ها. لذا بدون اینکه بخواهیم وارد بحث شویم اشاره می‌کنیم که نقطه مقابل این دو حرام اصلی که اهانت و ایداء بود چند عنوان اصلی وجود دارد که به آن ترغیب شده است. فعلاً آنچه می‌شود گفت این است که ممدوح شمرده شده است و رجحان دارد.



تقسیم‌بندی این باب

بعضی مراتب و موارد ممدوحات روابط بین فردی در حد وجوب است بعضی از آن در حد استحباب است. مثلاً عنوان اکرام مقابل اهانت است. اکرام مؤمن، اکرام دیگران و حفظ حرمت و حریم کرامت دیگران واجب است و یا مثلاً سود رساندن به دیگران که مقابل ایذاء است. در حقیقت در برابر آن دو عنوان مضموم کلی در اقوال و افعال قرار دارند و سلسله مراتبی پیدا می‌کنند. ذیل این دو عنوان مسائل زیادی قرار می‌گیرد از جمله انواع اکرام، درجات اکرام، گروه‌های مختلفی که مورد اکرام قرار می‌گیرند که برحسب مورد گاهی واجب و گاهی مستحب و گاهی مستحب مؤکد و گاهی واجب مؤکد است و همه آن‌ها هم احکام فقهی جدی دارند و نمی‌شود آن‌ها را صرفاً بحث اخلاقی دانست. مع الاسف در این باب بحث جامعی صورت نگرفته است. صله‌رحم نیز به نحوی در اینجا قرار می‌گیرد. تقریباً این دو سه عنوان خیلی عام است که در ذیل آن می‌شود همه عناوین را تقریباً گنجانند. البته نمی‌توان گفت این استقراء تامی است ولی تقریباً انواع عناوین و واجبات و مستحبات در ذیل این دو عنوان عام قرار می‌گیرند. در این طرف البته استحباب دامنه وسیع‌تری نسبت به وجوب دارد.

دامنه روایی

ابواب فعل معروف، احکام عشرت و ابواب جهاد با نفس باید بررسی شود. همان‌طور که غالب روایات محرمات در روابط میان فردی در همین ابواب آمده است. البته پیشنهاد ما این است که در حوزه فقه باب روابط میان فردی و میان‌گروهی با قیودی که باید بگوییم گشوده شود و بر اساس آن محرمات مورد توجه قرار گیرد تا در فقه جایگاه مناسبی پیدا کند و در یک کتاب منظم و جدید فقهی قرار گیرد. چراکه بسیار مورد ابتلا است و احکام فقهی بسیار مهمی دارد.

باب سحر

با ترتیبی که در مکاسب محرمه مرحوم شیخ و دیگرانی که به طبع ایشان و حتی قبل از ایشان در بخش افعال محرمه نقل شده و در این قسمت با ترتیب حروف الفبا پیش رفته‌اند به سب و بعد از آن سحر رسیدیم. بحث سحر از مباحث بسیار مهمی است که در فقه مطرح شده و جای بسط کلام و سخن فراوان دارد.



نکات مقدماتی

۱. تعریف علم سحر

تقسیم‌بندی علوم

بحث سحر در زمره علوم غریبه به حساب می‌آید، این جهتی است که در بحث‌های سابق در بحث تنجیم بود گذشت که علوم به علوم غریبه و علوم طبیعی، عادی، معمولی تقسیم می‌شود. علوم طبیعی و معمولی انواعی دارد که عقلی، نظری، تجربی، دینی، وحیانی، علوم عرفانی و امثال این‌ها است که علوم عادی و متعارف است. در برابر این‌ها قسمی به نام علوم غریبه قرار دارد که خود اقسامی دارد. در حوزه‌ها و بین علماء از قدیم انواعی از علوم غریبه متعارف بوده است.

تعریف علوم غریبه

مقصود از علوم غریبه علمی است که با روش‌های متعارف نظری و تجربی به دست نمی‌آید، بلکه روش‌های ویژه‌ای دارد از انواع علم حروف، علم طلسمات، پیشگویی‌ها، کهنات و سحر و غیره که همه جزء علوم غریبه هستند. مخصوصاً علم حروف که در بین علماء خیلی رواج داشته است مثلاً محی‌الدین عربی و خیلی از بزرگان به علم حروف توجه خاص داشته‌اند. در روایات نیز آن‌ها واقعیاتی قائل‌اند. روش‌های این علم متعارف و عادی نیست که بشود با قواعد متعارف علمی شده و قابل یادگیری برای هر کسی شود. البته تجربی به معنای علم امروزی نیست ولی به نحوی قابل آزمایش به معنای عام است.

علوم غیرمتعارف در فقه

همه علوم غیرمتعارف از نظر فقهی باطل نیست. ممکن است بین این علوم غیرمتعارف علمی باشد که ممارست به آن مانعی نداشته باشد مانند علم حروف. البته تا به حال در کتب فقهی بحث جامعی در علوم غریبه نشده است. در فقه التریبه نیز به تعلیم و تعلّم سحر کمی پرداخته شد.

جمع‌بندی

علوم غریبه باید به صورت همه‌جانبه هم بازشناسی و تعریف‌شده و هم ارزش واقعی آن‌ها مشخص گردد و نهایتاً جایگاه آن‌ها در فقه و احکام فقهی آن‌ها تبیین شود. سحر هم در این مجموعه قرار می‌گیرد. حکم کلی واحدی بر همه علوم غریبه نمی‌شود لذا نیازمند کار جدیدی است.



۲. جایگاه سحر در علوم

علمی مستقل

بحث سحر به عنوان یک علم هویتی مستقل دارد. دانشی است و کتب دارد و به صورت سینه به سینه و استاد و شاگرد منتقل می شود. البته ذوق شخصی در آن دخالت دارد. علاوه بر این بُعد استقلالی و هویت ذاتی علم سحر که قاعدتاً موضوع و محمولی دارد که چون تسلط به آن نداریم نمی توانیم دقیق راجع به آن سخن بگوییم.

در علم کلام

سحر در چند علم دیگر مورد توجه قرار گرفته است از جمله در علم کلام. چراکه بحث معجزه که در کلام مطرح می شود از سؤال های بسیار جدی در این علم «ما الفرق بین الاعجاز و السحر» بوده است. لذا طبعاً در کلام جای بحث دارد.

در معرفت شناسی

از جهت دیگر سحر می تواند در فلسفه از این حیث که چه مقدار از آن واقعیت دارد و بر واقعیت مبتنی است مورد بحث قرار گیرد. یعنی در واقع سحر در مباحث معرفت شناسی یا اپیستمولوژی دانشی وسیع و مجموعه ای از گزاره ها و قضایاست. در معرفت شناسی بحث می شود که سحر چه مقدار واقع را منعکس می کند و حقیقت نماست. گرچه این بحث ضمن مباحث کلامی یا بحث های تفسیری و حدیثی آمده است ولی در حقیقت بحث فلسفی و معرفت شناسی جایگاه خود را دارد که چندان جامع و دقیق کار نشده است.

در علم الحدیث

علاوه بر کتب تفسیری در حدیث شناسی و علم الحدیث هم به دلیل اینکه احادیث فراوانی داریم سحر مطرح شده است.

در اخلاق

از سوی دیگر در اخلاق به لحاظ بعد اخلاقی و حسن و قبح اخلاقی آن کم و بیش مطرح می شود.

در شیمی

کم و بیش می توان سحر را به علم کیمیا و شیمی و تنجیم و غیره ربط داد البته از حیث تفاوت این ها باید مشخص شود که چه ارتباطی دارند.

در علم طب



در علم طب مفصلاً مطرح است. در کتب طبّی ابطال سحر و ادعیه‌ای که ابطال سحر می‌کند آمده است.

✓ علاوه بر علوم مطرح شده جایگاه سحر در روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه دین و دین‌شناسی هم قابل بررسی است.

در فقه

سحر در علم فقه در چند جایگاه مورد بحث قرار گرفته است.

۱. در بحث مسلم و کافر و اینکه آیا ساحر کافر است یا نه؟
 ۲. در مکاسب محرمة از آنجایی که سحر یک کسب حرام تلقی می‌شود.
 ۳. در بحث حدود و تعزیرات. آیا سحر حد یا تعزیر دارد که بعضی حدش را قتل می‌دانند و لذا این حیث در حدود و تعزیرات مطرح می‌شود.
- ✓ البته ممکن است که مناسبت‌های فقهی دیگری هم داشته باشد.

۳. سحر در منابع دینی

سحر در قرآن

بحث سحر در منابع و متون دینی جایگاه برجسته‌ای دارد. در آیات شریفه قرآن تقریباً نزدیک به شصت مورد واژه سحر و مشتقات آن به کار رفته است. در کلام استاد سبحانی تعداد را حدود هفتاد مورد دانسته لکن این گونه نیست. ظاهراً ایشان اسحار و امثالهم را که به معنای دیگری است و ربطی به بحث ما ندارد ملحق به سحر کرده‌اند.

موارد استعمال

۱. اتهام کفار به پیامبران و انبیاء و متهم کردن انبیاء به اینکه آن‌ها ساحرند. «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ» (الذاریات/۵۱) همین مسئله در مورد پیامبر اعظم و قصه مشهور حضرت موسی (علیه السلام) تکرار شده است.
۲. و متصف کردن دستاوردهای وحی به سحر وقتی در مقابل پیامبران احساس عجز می‌کردند و نفوذ و جاذبه وی و کلام وحی را می‌دیدند. «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ



النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتَبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (مائده/۱۱۰)»

مهم ترین آیات سحر

آیه ۱۰۲ سوره بقره از مهم ترین آیات سحر است که مربوط به سحری است که یهود در بابل داشتند و در آن جامعه رواج پیدا کرده بود. اگر بخواهیم دسته بندی کنیم عمده ترین موارد در باب سحر است در آیه ۱۰۲ سوره بقره است.

این آیه در جلد اول المیزان صفحه ۲۳۵ است « وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَ مَا كَفَرَ سَلِيمٌ وَ لَا كَنَّ الشَّيَاطِينُ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هِرُوتَ وَ مَرُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲) وَ لَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳) »

پر احتمال ترین آیه

این آیه شریفه تقریباً مهم ترین آیه در مورد سحر قرآن کریم است که در جلد اول المیزان بحث شده است علاوه بر این، آیه از مهم ترین آیات به لحاظ تعدد احتمالات است. مرحوم علامه در ضمن آیه بیان می کنند که ضمیر اتَّبِعُوا به چه کسی برمی گردد، تَتْلُوا یعنی چه، شیاطین چه کسانی هستند، و عَلَى چیست و همین طور جمله به جمله احتمالاتش را ذکر می کند و بعد می فرماید که « إِذَا ضَرَبْتَ بَعْضَ الْأَرْقَامِ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا مِنَ الْاحْتِمَالَاتِ فِي الْبَعْضِ الْآخِرِ، ارْتَقَى الْاحْتِمَالَاتِ إِلَى كَمِيَّةٍ عَجِيبَةٍ وَ هِيَ مَا يَقْرَبُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ وَ مَائَتِينَ وَ سِتِينَ أَلْفِ احْتِمَالٍ! ». یعنی یک میلیون و دویست و شصت هزار احتمال در این آیه وجود دارد. مرحوم علامه اینجا هم بحث تفصیلی دارند و هم بحث روایی و هم بحث فلسفی.

سحر در المیزان

و از جمله بخش هایی که مرحوم علامه به این بحث پرداخته یکی جلد شصت و سه است و در اینجا حدود سی و دو روایت را نقل کرده اند و در جلد پنجاه و هشت و شصت نیز هم روایت آورده شده است و هم بحث مفصلی کرده اند. در جلد نود و شش هم دعا برای دفع سحر آمده است. در دو جلد دیگر بحث ملائکه مطرح شده است که در ادامه از آن ها استفاده خواهیم کرد.

سحر در روایات



جمع کل روایات در باب سحر گرچه دقیق نمی‌توان گفت شاید به صد روایت در منابع شیعه و سنی برسد. و حتماً کمتر از این نیست.

۴. سحر در تاریخ

از لحاظ تاریخی بحث سحر در تاریخ تمدن بشری سابقه‌ای کهن دارد و تقریباً در همه اقوام و ملل و تمدن‌ها بحث سحر مطرح بوده است. گاهی ساحرین و اهل سحر جایگاه بزرگ و بلندمرتبه‌ای پیدا می‌کردند بخصوص در دربار سلاطین، همان‌طور که منجمان پیشگویی‌های می‌کردند و جایگاه بالای داشتند ساحران نیز یک صنف و طبقه بودند. گاهی این طبقه صاحب نفوذ زیادی در دربارها و جوامع می‌شدند.

بنابراین سحر یک امر ریشه دارد در تاریخ تمدن بشری است و در تمام اقوام و ملل است. شاید نشود هیچ تمدن و قومی را پیدا کرد که به نحوی مبتلا به علوم غریبه و بخصوص سحر نباشد.

۵. جایگاه اجتماعی سحر

هم‌اکنون هم سحر در بعضی جوامع وجود دارد و عجیب این است که حتی در اروپا و آمریکا که اوضاع و احوال پیشرفته‌ای دارد و پیشرفت علوم جدید است سحر چندان هم بی‌رواج نیست که جای شگفتی دارد. لذا سحر نوعی جامعه‌شناسی و روان‌شناختی خاص دارد. به دلیل این جایگاه و اهمیت که امروز هم کمابیش وجود دارد، قابل تحلیل و ارزیابی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. در برخی کشورهای آفریقایی و در بعضی کشورها هم که پیشرفته هستند بحث سحر منتفی نیست و در بعضی کشورها مثل نظام پزشکی نظام سحر وجود دارند.

✓ بسیاری از این عرفان‌ها و جریانات فکری و اعتقادی و عملی انحرافی امروزه به سحر و کهنات و شعبده برمی‌گردد.